

حکمت رابطه زوار با امام هشتم



حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

قصه هرکدام از اهل بیت^(ع) عصمت و طهارت، قصه خاصی است و ارتباط مردم با این بزرگواران و جلوه و بروز و ظهوری که از این ذوات مقدس وجود دارد، همه براساس حکمت‌های الهی است. در این میان و در این دوران، امام رضا^(ع) و شلوغی حرم مطهر ایشان حکایت‌های فراوانی دارد؛ زائراتی که با هر شکل و رنگ و اختلاف در جست‌وجوی آرامش الهی و بازشدن گره‌های زندگی به این مکان مقدس می‌آیند و درست مانند فرزندی که با پدر و مادر خود نجوا می‌کند، کنار ضریح مطهر می‌ایستند و با امام رضا^(ع) درددل می‌کنند. درواقع این خود حضرت بود که شأن امامت را این‌گونه معنا کرد: الامام الانیس الرفیق، والوالد الشفیق، والاخ الشقیق، والام البرة بالولد الصغیر (کافی، ج ۱، ص ۲۰۰). امام، همدم و رفیق و پدر مهربان و برادر همدان است و مادر نیکوکار به فرزند کوچکش. به‌راستی که همه این صفات را در ارتباط زائران با امام رضا^(ع) می‌توانیم ببینیم. همه این موضوع در یک کلمه درباره حضرت جمع می‌شود و آن رأفت است. در زیارت‌نامه ایشان آمده است که چون به این صحن و سرا آمدی، دست بر سینه بگذار و بگو: السلام علی الامام الرئوف، سلام بر تو امامی که رئوف هستی (بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۵۵).

از مرحوم علامه طباطبایی نیز نقل شده است که: انسان هنگامی که وارد حرم رضوی می‌شود، مشاهده می‌کند که از درودیوار حرم آن امام رأفت می‌بارد. در خود این کلمه رئوف اسراری است که با حال زائران این حرم آمیخته است. در توضیح این واژه باید بدانیم که رأفت یک نوع شدت در رحمت است. درواقع، بین دو واژه رأفت و رحمت، نزدیکی معنایی وجود دارد، اما در بررسی دقیق لغوی، این دو به یک معنا نیستند و فرقی ظریف بینشان وجود دارد. مرحوم علامه مصطفوی در کتاب «التحقیق» خود فرق بین رأفت و رحمت را این‌گونه بیان می‌کند: رأفت، عطوفت، لطف و رحمت خالص و شدید است، یعنی لطف و رحمتی است که وقوع درد و ناراحتی را برنمی‌تابد، هرچند آن درد و ناراحتی به مصلحت فرد باشد، اما رحمت، صرف عطوفت و مهربانی کردن است. مهربانی کردنی که گاهی با درد و ناراحتی فرد نیز همراه است، مانند لطف و رحمت یک جراح به یک بیمار علاقه‌مند به بهبودی (التحقیق، ج ۴، ص ۶). دقیقاً این رأفت همان حال مادر به طفلش است که نمی‌تواند درد و محنت او را ببیند و تحمل کند. بسیاری از زائران می‌گویند کارمان که گیر می‌کند، می‌آییم و به حضرت عرض حاجت می‌کنیم و حاجتمان را می‌گیریم. البته نباید فراموش کنیم که ما هم در قبال امام وظایفی داریم که همان عمل کردن به دستورات حضرت درباره اعمال و وظایف دینی است، مثل آنکه حضرت می‌فرمایند: لا تؤخر صلاة عن اول وقتها الی آخر وقتها من غیر علة علیک ابد! باول الوقت؛ نمازگزاردن را بدون علت و عذر شرعی از اول وقت آن تأخیر نینداز و همیشه اهل نماز اول وقت باش (بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۴۹). پس در قبال مهربانی‌های امام ما نیز نباید عمل به وظایف و دستورات امام را از یاد ببریم که بی‌شک این رابطه عاشقانه امام و مأمور رابطه‌ای دوطرفه است که در دنیا و آخرت مایه آرامش و اصلاح امور و سعادت ما خواهد بود.

ان‌شاء....

بردار و بخوان

بدان، ایدکا...

رهبر معظم انقلاب در عرصه‌های مختلف، به اقشار ملت ایران توجه داشته‌اند. به فراخور نیازهای هر طیف، مجموعه‌ای از نصایح و دستورالعمل‌ها را همواره به آنان گوشزد فرموده و خواستار اصلاح یا حفظ ارزش‌ها شده‌اند. کتاب «بدان، ایدکا...» مجموعه نصایح ایشان به طلاب کشور است. ایشان تاکنون بیانات متعددی برای این قشر داشته‌اند و نصایح دل‌سوزانه ایشان فانوس راه طلاب عزیز بوده است. نام این اثر نیز یادآور جمله‌ای است که در آغاز «صرف میر»، از سوی استاد به طلاب گفته می‌شد که: بدان، ایدکا...! آنجا بود که استادان می‌فرمودند مؤلف نگفت بخوان، بلکه گفت بدان تا از همان روز اول حوزه بدانی که بیش از آنکه وقت را صرف خواندن کنی، باید صرف تفکر کنی.

این کتاب شامل سه فصل کلیات، شئون ووظایف طلبگی و تکالیف سنگین علماست. در فصل اول این اثر به مباحثی مانند «طلبه در تراز انقلاب اسلامی باید چگونه باشد، رابطه غفلت از هدف و آفت برای طلبه‌ها از نظر معظم له، نقش و ارزش ویژه طلبه به‌عنوان مهم‌ترین عنصر حوزه، عشق، شور، محبت و احساس وظیفه در کار طلبگی، مسئولیت‌های عمده یک روحانی از قبیل هدایت دینی، سیاسی و اجتماعی و موضوع بانوان طلبه به‌عنوان آبروی نظام اسلامی در جهان» پرداخته شده است.

در فصل دوم این کتاب رهنمودهای حضرت آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای در ارتباط با شئون و وظایف طلبگی مانند تحصیل، تهذیب، بصیرت سیاسی، تبلیغ و ورزش و نشاط آورده شده است. در آخرین فصل کتاب «بدان، ایدکا...» به تکالیف سنگین علما با مفاهیمی از قبیل فهم و انتقال معارف، مجاهدت برای مردم، حفظ آبروی انقلاب و حفظ موقعیت جمهوری اسلامی پرداخته شده است.

پرس و بدان

توبه از غیبت

در این ستون به پرسش‌های شمارده باره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید با ارسال پیامک پرسش‌های خود را به شماره ۳۰۰۷۲۸۸ با ما در میان بگذارید.

● اگر کسی غیبت کند یا به دیگری تهمت زده باشد، چگونه باید از گناهش توبه کند؟ آیا باید رضایت او را جلب کند؟

● آیت‌ا...العظمی خامنه‌ای

باید با پشیمانی از گناه بزرگی که مرتکب شده است، از خداوند آمرزش بخواهد و تهمت را تکذیب کند و از کسی که غیبت او را کرده یا به او تهمت زده است، حلالیت بطلبد و اگر ممکن نیست یا مفسده دارد، برای او استغفار کند.

● آیت‌ا...العظمی سیستانی

اگر پشت‌سر کسی غیبت کنیم و امکان حلالیت‌طلبیدن نداشته باشیم، توبه کافی است.

● آیت‌ا...العظمی مکارم‌شیرازی

در صورت امکان از صاحبان حق حلالیت بطلبد و اگر این کار ممکن نیست، برای آن‌ها کار خیر کنبد تا آن‌ها از شما راضی شوند.

● آیت‌ا...العظمی وحید خراسانی

مرتکب غیبت باید توبه کند و بنابر احتیاط واجب، از کسی که غیبت او را کرده است، حلالیت بطلبد، مگر آنکه حلالیت‌طلبیدن موجب مفسده‌ای شود. در این صورت هرگاه از شخص غیبت‌شده یاد کرد، برای او استغفار کند.

شهرآرا

شماره ۴۴
پنجمین سال
۱۳۹۷
شهرآرا

۱۴



شهرآرا بازخوانی می‌کند

بایسته‌های سیاست دربستر اسلام

حمایت دین از اخلاق اجتماعی

سیاست را سه قشر مطرح کرده‌اند: نخست حاکمان جوری که در صدر اسلام می‌خواستند جریان خلافت را به سلطنت تبدیل کنند مثل معاویه، دوم استعمارگران خارجی و سوم جریان روشن فکری بیمار بود که تحصیل کردگان غرب آن را آغاز و سعی کردند همان جریان جدایی دین از سیاست در فضای غرب را به حوزه اسلام تطبیق دهند.

به نماز عیدین سوق می‌دهد، هرسال مردم را از سراسر سرزمین‌های اسلامی به کنگره بزرگ حج فرامی‌خواند. در این میان، نظریه جدایی دین از سیاست گرایش و تفکری است که طرف‌دار و مروج حذف یا بی‌اعتنایی و به‌حاشیه‌راندن نقش دین در ساحت‌های مختلف حیات انسانی، از قبیل سیاست، حکومت، علم، اخلاق و... است.

از سوی دیگر، به بحث از فضایل و ردایل اخلاقی و تحصیل و ترک هر یک پرداخته است. از دیگر سو، مسائل فردی و عبادی را ارائه کرده و در بُعد دیگر، احکام اجتماعی و اقتصادی و نظامی و سیاسی را برای حفظ و حراست از احکام دینی و حکومت اسلامی به مسلمانان اعطا کرده است. اسلام پس از آنکه مردم مسلمان را از اجتماعات کوچک مسجدی به مساجد جامع و از نماز جمعه

یکی از نقش‌های بنیادین دین، حمایت از اخلاق اجتماعی است. از نگاه استاد مطهری، اخلاق منهای خدا، دین و ایمان مانند اسکناس بدون پشتوانه و استدلال بدون منطق است (شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۴، ص ۱۲۳).

بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که دین اسلام از سویی مبدأ و معاد و وحی و رسالت را به‌عنوان مسائل اعتقادی طرح کرده و

اسلام، دین سیاست است

● از منظر قرآن کریم

در آیاتی از قرآن، پیامبران موفلف به اقامه قسط در جامعه شده‌اند: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط و انزلنا الحدید فیه باس شدید و منافع للناس... (سوره حدید: ۲۵). آیا می‌توان بدون اصلاح جامعه و درست‌گرفتن تشکیلات حکومتی عدالت را تحقق بخشید؟ دین با این کارکردهای سیاسی اجتماعی و نقش بی‌بدیلی که در تحقق عدالت دارد، در انقلاب اسلامی ایران اصلی‌ترین نقش را ایفا کرد و در مرحله پیروزی، تثبیت و استمرار آن نیز نقش‌آفرین اصلی بوده است.

هدف سیاست و رفتارهای سیاسی در اسلام همان هدف‌ترسیم‌شده برای دین است. به‌نحوی که عمل نکردن به احکام سیاسی و اجتماعی اسلام همان قدر انسان را از رسیدن به سعادت جاویدانش محروم می‌کند که عمل نکردن به احکام فردی مانند نماز و روزه.

● از منظر رهبر معظم انقلاب

رهبر معظم انقلاب می‌فرماید: مردم، اسلام و رسوم اسلامی را می‌خواستند، ولی دست‌های قدرت و حکومت، ضد اسلام را تبلیغ می‌کردند. در مقابل چشم مردم، همه چیزهای محبوب آن‌ها مورد اهانت قرار می‌گرفت (ص ۱۳۷). انقلاب اسلامی، اسلام سیاسی را محقق کرد. چنان‌که به تعبیر رهبر معظم انقلاب در تبلیغات دشمنان، از مسئله‌ای به‌نام «اسلام سیاسی» نام آورده می‌شود. رهبر معظم انقلاب نیز می‌فرماید: اسلام سیاسی یعنی همین اسلامی که توانسته با تشکیل حکومت، دستگاه‌های گوناگون، نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و... به وجود بیاورد و یک هویت دینی و اسلامی را برای یک ملت ایجاد بکند. تعریف قرآن از دین یک چنین چیزی است، این را نمی‌شود فروکاست به کارهای کوچک، به یک اعمال عبادی صرف و محض (بیانات سخنرانی تلویزیونی، ۲۱ اسفند ۱۳۹۶).

همه احکام اسلام معنای اجتماعی و سیاسی دارد

مردم فراهم کند. ادله مختلفی بر پیوند دین و سیاست اقامه‌شده است. از نظر امام خمینی^(ع) این ادله عبارت‌اند از جامعیت دین، نقش حکومت در حراست از دین، ماهیت قوانین اسلام، مسائل اقتصادی اسلام و سیره پیامبر اسلام. بنابراین، انقلاب که یکی از مسائل مهم سیاست است، از نظر ایشان پیوندی عمیق با دین دارد و دارای مبانی

می‌فرمایند: اسلام احکام اخلاقی‌اش هم سیاسی است. همین حکمی که در قرآن هست که مؤمنان برادر هستند، این یک حکم اخلاقی است، یک حکم اجتماعی است، یک حکم سیاسی است. حکومت دینی به‌معنای صحیح، حکومتی است که جامعه را بر اساس قوانین الهی اداره و امکان رسیدن انسان‌ها به کمال و ایجاد جامعه‌ای صالح و شایسته‌ر ابراری

حضرت امام خمینی^(ع) با اشاره به این نکته ظریف که همه احکام و دستورات اسلام دارای روح و معنای اجتماعی و سیاسی است، می‌فرماید: می‌شود گفت بی‌استثنا دعوت‌های خدا حتی در آن چیزهایی که وظایف شخصی افراد است، روابط شخصی افراد است بین خود و خدا، از معنای اجتماعی و سیاسی برخوردار بوده است. باز در همین زمینه